

دقت در

ترجمه قرآن کریم

مصطفی حسینی طباطبائی



مسلمانان از روزگار گذشته تا کنون، درباره آیات قرآن و نکات آن، گفت و گوهایی بسیاری داشته اند و چه بسا دقت در یک یا چند نکته قرآنی، مایه پیدایش مذهب کلامی ویژه ای در میان ایشان شده است. فقهای اسلامی نیز برای اثبات آراء خود گاهی به نکات باریکی توجه کرده اند که با نگاه سطحی به قرآن، هیچ گاه آن نکته ها به ذهن نمی آمده است. مثلاً به یاد دارم که برخی از فقها در مبحث «رضاع»، در اثبات این مطلب که کودک باید به اندازه ای از شیر دایه بنوشد که پیکرش از آن پرورده شود تا احکام رضاع در طرفین جاری گردد، به این تعبیر قرآن که می فرماید: **اَمْهَاتِكُمُ الْاُتٰی اَرْضَعْنٰکُمْ** (نساء/ ۲۳/۴) استدلال کرده اند و گفته اند که در این تعبیر، از مادرانی که به کودکان شیر داده اند سخن رفته است، نه از زنانی که به هر صورت، شیری به طفل خورانده اند! بنابراین برای اثبات حکم رضاع، لازم است زنی که به کودک شیر می دهد در حق او مادری کند و این وصف تحقق نمی یابد تا آن که کودک مدتی بالمباشره از پستان آن زن بنوشد نه آن که (به قول دسته ای دیگر از فقیهان) به محض آن که چند قطره از شیر وی را (هرچند از ظرفی) در دهان کودک بریزند، احکام رضاع جریان پیدا کند!

در این صورت ملاحظه می شود که احکام رضاع، با عواطف مادرانه و انتقال آن ها

از دایه به کودک نیز رابطه پیدا می‌کند و تنها موکول به انتقال شیر از دایه به طفل نمی‌شود که کسی ادعا کند با انتقال خون، از زنی به بدن کودک، نیز حرمت زناشویی میان آن دو و دیگر احکام رضاع تحقق پیدا می‌کند!

قرآن ارجمند که تا این اندازه در فهم آن دقت شده (و بیش از این‌ها باید بشود) حقاً روا نیست که با تسامح و سهل‌انگاری ترجمه گردد، این کار اگر دربارهٔ رمان‌ها و قصه‌ها روا باشد، بی‌شک در حق قرآن عظیم روا نیست.

از میان ترجمه‌های قرآن که اخیراً انتشار یافته، ترجمهٔ جناب آقای کاظم پورجوادی در عین آن که امتیازاتی دارد، متأسفانه دچار اغلاط و مسامحات چشمگیری شده است. هر چند ترجمهٔ مذکور در عدم دقت، منحصر به فرد نیست، ولی چون تاکنون به طور مستقل نقادی نشده، لازم است شمه‌ای از خطاهای آن ذکر شود تا این‌شاء‌الله تعالی در چاپ‌های آینده اصلاح گردد و روبه کمال رود.

۱. در این ترجمه، گاهی برگردان آیه‌ای به فارسی، فراموش شده است، چنان‌که جای ترجمه: **والیوم الموعود**، در سورهٔ شریفهٔ بروج، خالی است!

۲. پاره‌ای از ترجمه‌ها، معادل با الفاظ آیات نیست. مثلاً در ترجمهٔ فکله هنیئاً مریناً (نساء/۴/۴) آمده: «بگیرید! که حلال و گوار است» ظاهراً مترجم محترم، فخذوه را به جای فکله دیده و ترجمه کرده‌اند.

۳. در ترجمهٔ **یخرج من بین الصلْب والتَّرَائِبِ** (طارق/۷/۸۶) آمده است: «از پشت و سینه بیرون می‌آید» که در این جا «من بین» را نادیده گرفته و ترجمه نکرده‌اند.

۴. در ترجمهٔ **ولتکملوا العدة** (بقره/۱۸۵/۲) آورده‌اند: «تا شماره‌های روزه کامل شود»، که باید ترجمه می‌کردند: «تا شماره‌های روزه را کامل کنید».

۵. در ترجمهٔ **والذی خبث لایخرج إلا نکدا** (اعراف/۵۸/۷) آمده است: «و زمین ناپاک جز اندک و بی‌فایده بیرون نمی‌آورد»، که لازم است به صورت: «و از زمین ناپاک جز اندک بیرون نمی‌آید» ترجمه گردد، زیرا «یُخْرَجُ» فعل لازم است و با «یُخْرَجُ» نباید اشتباه شود.

۶. در ترجمهٔ **ومن الذین قالوا إنا نصاری أخذنا میثاقهم** (مائده/۱۴/۵) آمده است: «از داعیان نصرانیت پیمان گرفتیم»، که در این جا: «از مدعیان نصرانیت پیمانشان را گرفتیم» مناسب‌تر است زیرا «داعی» به معنای دعوتگر یا مبلغ به کار می‌رود.

۷. در ترجمه **وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِاِيْمَانِكُمْ** (نساء/ ۲/ ۲۵) نوشته اند: «خدا به ايمانتان واقف است»، که: «داناتر است» صحیح است.

۸. در ترجمه **فَلَا يَكُنْ فِيْ صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ** (اعراف/ ۷/ ۲) آمده است: «دل به آن قوی دار» که این عبارت، ترجمه آیه نیست.

۹. در ترجمه **خَرَّ رَاكِعًا** (ص/ ۲۸/ ۲۴) نوشته اند: «سر خم کرد و به رو در افتاد». **راکعاً** در این جا حال است از ضمیر مستتر در «خَرَّ» و معنای آیه شریفه اینست که: «با حالت فروتنی به زمین افتاد». پس رکوع در این جا به معنای خضوع آمده و معنای سر خم کردن را ندارد.

۱۰. در ترجمه **وَلَا اَدْرِیْکُمْ** به (یونس/ ۱۰/ ۱۶) آورده اند: «و نه از آن آگاهتان می کردم» که درست نیست و باید به صورت: «و نه (خدا) از آن آگاهتان کرده بود» ترجمه شود زیرا کلمه: **ادریکم**، صیغه مفرد مذکر غایب از فعل ماضی است که با ضمیر (کُمْ) قرین شده و اگر صیغه متکلم وحده از مضارع بود، به صورت: **ادریکم** می آمد.

۱۱. در ترجمه **سَلَامٌ عَلٰی اِلِیَاسِیْنَ** (صافات/ ۳۷/ ۱۳۰) آورده اند: «سلام بر آل یاسین» که این ترجمه درست نیست، به ویژه که پس از آن می فرماید: **اِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِیْنَ**، (او از بندگان مؤمن ما بود) و نفرومده است: **اِنَّهُمْ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِیْنَ** که با **آل یاسین** منطبق باشد و **آل یاسین** که ذکرش در آیه آمده، همان **إلیاس پیامبر** است، چنان که فرمود: **وَإِنَّ اِلِیَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِیْنَ** (صافات/ ۳۷/ ۱۲۳) و توافق **إلیاس** و **آل یاسین** مانند **سیناء** و **سینین** است که به دو شکل در قرآن کریم به کار رفته اند و هر دو، یک چیزند.

۱۲. در ترجمه **لَقَدْ رَأٰی مِنْ آیَاتِ رَبِّهِ الْکُبْرٰی** (نجم/ ۵۳/ ۱۸) نوشته اند: «او پاره ای از نشانه های بزرگ پروردگارش را به عیان دید» که باید به: «پاره ای از بزرگترین نشانه ها» تبدیل شود.

۱۳. در ترجمه **وَإِنْ تَسْأَلُوْا عَنْهَا حِیْنَ یُنزَلُ الْقُرْآنُ تَبْدِلُ لَکُمْ** (مائده/ ۵/ ۱۰۱) آورده اند: «و اگر پرسش آن را به هنگام نزول قرآن واگذارید، قرآن برای شما بیان می کند». این سخن، به تفسیر نزدیک تر است تا به ترجمه!

۱۴. در ترجمه **فَاَصْلِحُوا بَیْنَ اَخْوِیْکُمْ** (حجرات/ ۴۹/ ۱۰) نوشته اند: «میان برادرانتان صلح برقرار کنید»، که لازم است به «میان دو برادر خود صلح برقرار کنید» تبدیل شود، زیرا **اَخْوِیْکُمْ**، اسم مثنی است که در حال اضافه، نون آن حذف شده است؛ و جمع نیست.

۱۵. در ترجمه سواة عليهم انذرتهم ام لم تنذرهم (بقره/۲/۶) نوشته اند: «برحذر داشتن و نداشتن برای کافران یکسان است». در این عبارت، فعل مخاطب را به صورت مصدر (برحذر داشتن) ترجمه کرده اند، ولی در ترجمه آیه دهم از سوره یس که نیز می فرماید: وسواة عليهم انذرتهم ام لم تنذرهم نوشته اند: «هشدار دادن و ندادن تو، برای آن ها یکسان است» کدام یک را باید صحیح شمرد؟

۱۶. در ترجمه اولی الامر، در یکجا (نساء/۴/۵۹) اولوالأمر را آوردند و در جای دیگر (نساء/۴/۸۲) پیشوایان را نهاده اند. دلیل این تفاوت چیست؟

۱۷. نام سوره کریمه «النصر» را «یاری دهنده» ترجمه کرده اند که صحیح آن «یاری کردن» به صورت مصدری است نه اسم فاعل؛ و از ترجمه نام پاره ای دیگر از سوره ها (مانند سوره فصلت) خودداری کرده اند، چرا؟!

۱۸. الم تر إلی الذین... (نساء/۴/۶۰) را به صورت: «آیا نبینی کسانی را...» ترجمه کرده اند که «آیا ندیدی کسانی را...» باید ترجمه کرد.

۱۹. در ترجمه أنظرننا (نساء/۴/۴۶) نوشته اند: «ما را مهلت ده یا در کار ما نظر کن» که احتمال اول صحیح نیست، زیرا معادل با أنظرننا می باشد نه أنظرننا!

۲۰. در ترجمه الذین یدعون من دون الله (انعام/۶/۱۰۸) نوشته اند: «آن ها که غیر خدا را می خوانند»، ولی در ترجمه الذین یدعون من دونه (مؤمن/۴۰/۲۰) آورده اند: «کسانی که غیر او خوانده می شوند»! دلیل این تفاوت کدام است؟!

این بیست مورد، به هیچ وجه تمام لغزش ها و مسامحه های مترجم محترم را نشان نمی دهد و خطاهای ترجمه ایشان بیش از این هاست. امیدوارم با اصلاح همه کاستی های ترجمه آقای پورجوادی، اثر روان و زیبایی ایشان بیش از پیش مورد استفاده قرارگیرد.
عصمنا الله تعالى من الزلزل كلها.

